



والدین گرامی! لطفاً قبل از شروع به مطالعه این مطلب نخست لحظاتی به پاسخ سؤال زیر فکر کنید و اگر فرصت داشتید حتی پاسخ خود را روی برگه‌ای بنویسید:
«اولویت‌های کاری زندگی هر یک از شما پدر و مادر محترم تا یک سال آینده چیست؟»

اولویت شما چیست؟

والدین و فرزندپروری

○ دکتر علی صادقی سرشت

” حال که به پاسخ سؤال بالا فکر کردید و یا اولویت‌های کاری‌تان را نوشتید، لطفاً ببینید چندمین اولویت شما «دانش‌افزایی خود درباره‌ی تربیت فرزندانم» و یا عبارت و مفهومی شبیه به این می‌باشد. معمولاً در کارگاه‌های تربیت فرزند وقتی از مادران و پدران می‌خواهم به پرسش فوق پاسخ دهند، در لیست اولویت‌های کاری خود، فعالیت‌های مختلفی مثل ارتقای شغلی، ارتقای تحصیلی، خرید ماشین، بالا بردن مدل ماشین، خرید خانه و... دیده می‌شود؛ ولی متأسفانه «دانش‌افزایی خود درباره‌ی تربیت فرزندانم» یا مفاهیم مشابه این مفهوم دیده نمی‌شود. آیا فرزندان بخش کوچکی از زندگی ما والدین هستند؟ آیا نسبت به شیوه‌ی تربیتی خود اطمینان کامل یا در حد بالا داریم؟ با توجه به این توضیحات برآنیم که هر شماره مطالبی را درباره‌ی فرزندپروری ذکر کنیم.

” طرح دو سؤال مهم پیش از ورود به بحث اهمیت دارد:



۱ در مسیر فرزندپروری قرار است چه کسی تربیت کند؟

۲ قرار است چه کسی تربیت شود؟

پاسخ به سؤال اول روشن است؛ قرار است پدر و مادر تربیت کنند؛ اما پاسخ سؤال دوم نیاز به دقت بیشتری دارد؛ پاسخ بیشتر والدین به سؤال دوم «فرزند» است. و اینجاست که اولین خشت کج در دیوار تربیت کودک نهاده می‌شود. آنکه در واقع قرار است تربیت شود، فقط کودک نیست بلکه این خود پدر و مادر هستند که لازم است قبل از کودک تربیت شوند و بخش مهمی از تربیت فرزندان در پس تربیت خود والدین است؛ چراکه «فرزندان ما آن‌گونه خواهند شد که ما هستیم، نه آن‌گونه که دوست داریم باشند».

البته نمی‌خواهیم منکر خلق و خوی ذاتی کودکان شویم؛ اما باید بگوییم که اگر تربیت درست باشد، تا میزان بسیار قابل توجهی، خلق و خوی ذاتی نامناسب کودکان نیز قابل کنترل و تربیت خواهد بود.

■ اصل امن سازی

فرزندپروری چند اصل مهم دارد که یکی از آن‌ها عبارت است از: اصل امن‌سازی. زمانی که کودک بتواند برای پاسخ دادن به نیازهای حرکتی، نیازهای ارتباطی، و نیازهای کنجکاوی خود در محیط بدون مواجه شدن با خطر بدنی یا روانی فعالیت داشته باشد، می‌گوییم محیط او امن شده است. یکی از وظایف مهم والدین، ایجاد محیطی امن برای کودکان است تا آن‌ها بتوانند با آرامش فعالیت‌های حرکتی، عاطفی و کنجکاوی خود را انجام دهند و تقویت کنند و با دنیای پیرامونشان هر چه بیشتر و بهتر آشنا شوند. دو تله مهمی که برخی والدین در بحث ایجاد امنیت در آن می‌افتند عبارت است از:

تصور کنند برای امن‌سازی محیط کودک باید همه چیز را از جلوی دست بچه بردارند تا جایی که در برخی از خانه‌ها انگار فقط یک موکت و فرش کف اتاق است و دیگر هیچ!! بی‌توجهی به اینکه محیط افزون بر امن بودن، حتماً باید برای کودک جذاب باشد؛ اگر محیط مورد علاقه کودک نباشد، هر چند

امن باشد، کودک میلی به کنجکاوی کردن و حرکت در محیط پیدا نخواهد کرد.

مادر یک کودک می‌گفت: فرزند خردسال آن‌ها در خانه راه می‌رفته است که ناگهان لوستر از سقف رها شده و به سر این

طفل خورده است! روشن است

چنین کودکی حس ناامنی

در وجودش شکل می‌گیرد

و این تصور احتمال وقوع

خطر در او را می‌تواند به

صورت افراطی به وجود

آورد.

شما به عنوان والدین اگر

محیط امن و جذاب برای

فرزند خود مهیا کردید، دو فایده

بزرگ را متوجه تربیت فرزند خود نموده‌اید:

رشد ذهنی و کلامی فرزندان خوب خواهد

شد و در نتیجه استعدادهاى او در مسیر

شکوفایی قرار می‌گیرد. هر چه امکان بررسی

و ارتباط سالم با محیط را برای فرزند خود

بیشتر کنید، احتمال رشد مغزی بهتر او و

بیشتر شدن پیام‌های عصبی در مغز بالاتر

خواهد رفت.

احتمال بد رفتاری در او کاهش خواهد یافت

چراکه مشغولیت‌های سالم او زیاد می‌شود

و کم‌حوصلگی به این زودی‌ها سراغ او

نمی‌آید.

■ از خودتان بپرسید

اگر می‌خواهید بدانید که آیا جزو والدینی

هستید که محیط امن فیزیکی و روانی برای

فرزند خود تامین می‌کنند، افزون بر رعایت

نکات بالا باید بتوانید در هر آن به چهار سؤال

اصلی پاسخ دهید: کجا؟ چه کسی؟ چه کاری؟

کی؟ به بیان روشن‌تر:

الان فرزند شما کجاست؟

هم اکنون فرزند شما با چه کسی است؟

کودک شما هم اکنون مشغول چه کاری است؟

اگر بیرون از منزل است، تا چه زمانی بیرون

(مثلاً در کوچه یا پارک) خواهد بود و کی

برمی‌گردد؟

پاسخ برخی والدین مسامحه‌کار به سؤالات بالا

به این صورت است:

«پایین تو حیاط مجتمعه»، «تو کوچه، یه

جایی همین اطرافه»، «معمولاً خیلی از درخونه

دورتر نمی‌ره» و ...

«خونه همسایه است»، «پیش بچه‌های

مجتمعه»، «با همین بچه‌های محله

وقت می‌گذرونه» و ...

«معمولاً دارن با همدیگه بازی

می‌کنن»، «دقیقاً نمی‌دونم

چه کار می‌کنن»، «قرار بود

درس بخونن، ولی خوب

مطمئن نیستم چکار

می‌کنن» و ...

«هر وقت خسته شد می‌آید»،

«بهش سخت نمی‌گیریم، همین

جا تو مجتمعه، هر وقت کارش داشته

باشیم ما می‌ریم سراغش» و ...

لازم است شما به عنوان یک والد

شش‌دانش، به هر چهار سؤال بالا در هر

زمان از روز بتوانید پاسخ بدهید. هر میزان

پاسخی که به سؤالات بالا می‌دهید واضح‌تر

باشد، احتمال آسیب دیدن فرزند شما

کاهش می‌یابد. اشتباه نکنید! منظور ما آن

نیست که به صورت وسواسی از فرزند خود

مراقبت کنید، منظور آن است که والدینی

باشید که برای فرزند خود دقیقاً برنامه دارند

و می‌دانند هر کدام از این چهار سؤال چه

پاسخی دارد.

فرزندان والدینی که به یک، دو یا چند

سؤال بالا معمولاً پاسخی مبهم می‌دهند،

فرزندپروری آن‌ها دچار اشکال است و

فرزندان خود را در معرض مشکلات مختلفی

قرار می‌دهند. برای مثال، کودک ده ساله‌ای

به شدت از جن می‌ترسید؛ چراکه زمانی که

کوچه رفته بود، کسانی که با او بوده‌اند

برایش از جن گفته‌اند و حالا این کودک

شب‌ها حتی برای دستشویی رفتن مشکل

داشت. و یا کودکی که به اعتماد والدین به

خانه همسایه برای بازی رفته بود، غافل

از آنکه در آن خانه فقط همبازی خردسال

کودک حضور ندارد و شخص دیگری بوده

که مادر به حضور او توجه نداشته و با کمال

تأسف مشکلاتی نامناسب برای این طفل

خردسال ایجاد شده است.

الان

فرزند شما کجاست؟

هم اکنون فرزند شما با چه کسی

است؟ کودک شما هم اکنون مشغول

چه کاری است؟ اگر بیرون از منزل

است، تا چه زمانی بیرون (مثلاً در

کوچه یا پارک) خواهد بود

و کی برمی‌گردد؟